

عنوان درس	شب هشتم محرم
من هم خودم را نگه می‌دارم.	آیت گوزن
توضیح اجمالی درس	
<p>الف) هدف از این درس، در گام اول حساس کردن کودکان به چرایی خلقت پدیده‌ها بوده و در گام بعدی تبیین اهمیت تقوای قلب در انسان است.</p> <p>ب) برای ساده کردن درک این مطلب توسط کودک، از آیت گوزن استفاده شده است. به این ترتیب که:</p> <ul style="list-style-type: none"> - گوزن‌ها در هنگام چراه برای دفاع از خود در برابر نیش مار، سر مار را می‌بلعند. گوزن از ترس پخش شدن سم مار در بدنش، بر تشنگی ناشی از خوردن سر مار، صبر کرده و آب نمی‌خورد. - گوزن آیت انسانیست که می‌داند چه کاری برای او ضرر دارد و باعث هلاکت او می‌شود؛ پس آن را انجام نمی‌دهد. - خودداری گوزن مار خورده در برابر خوردن آب، آیت تقوی انسان در برابر هوی نفس اوست. <p>پ) نتیجه‌ی حکمی این درس آن است که؛ تقوا درمان مرض قلب است.</p> <p>صبر گوزن بر عطش غالب، از ترس ضرر است. تعجب از آن است که خدا به انسان عقل و قوه‌ی تشخیص داده، اما نفس خود را از خواهشی که ضرر داشته باشد، منع نمی‌کند.</p> <p>خداوند ذکاوتی به گوزن داده است تا زمانی که مار به او حمله می‌کند به عوض فرار بی‌فایده، سر او را کنده و بلعد. این ذکاوت در حیوانات غریزیست. در مقابل، خداوند به انسان‌ها فطرت و عقل داده تا موقعیت خطر را تشخیص دهند و از آن پروا داشته باشند. عقل به خواسته‌های انسان حد می‌زند و جلوی بی‌بندوباری نفس را می‌گیرد.</p> <p>ت) کودک به‌عنوان یک استراتژیست می‌آموزد که پشت بسیاری از خواسته‌های دل ما هلاکت نهفته است. لج کردن و اصرار بی‌جا بر خواسته‌ی دل، باعث نابودی و هلاکت ما خواهد شد.</p> <p>ث) کودک با بررسی عمل گوزن، عبرت می‌گیرد که: اگر گوزن، مار نخورده بود، نیازی نداشت خود را در برابر آب نگه دارد. انسان هم زمانی که زمینه‌ی فکر و خیال غلط در او ایجاد شود، باید با تقوی ورزیدن و نگه‌داشتن نفس‌اش در برابر خواسته‌ی غلط، خود را از هلاکت نجات دهد.</p>	
عبرت عاشورایی	
<p>۱- در لحظه لحظه عاشورا می‌توان نبرد میان افراد و هوای نفس‌شان را مشاهده کرد. تفاوت یزیدی‌ها و حسینی‌ها تنها در تبعیت کردن و تبعیت نکردن از هوای نفس‌شان بود. آنهايي که در این جنگ (جنگ با نفس) پیروز شدند، پیروز واقعی عاشورا هستند و تا به امروز از آنها به نیکی نام برده می‌شود و آنهايي که در این جنگ شکست خوردند بازنده واقعی هستند که تا آخرالزمان لعن و نفرین پشت سر خود دارند.</p>	

۲- حضرت عباس (ع) هنگامی که برای آوردن آب برای کودکان به لب رودخانه رسیدند، می‌توانستند آب بنوشند اما این کار را نکردند. نوشیدن آب گناه حساب نمی‌شود و ایشان می‌توانستند این کار را بکنند اما ایشان پا بر روی نفس خویش گذاشتند و نخواستند که امامشان تشنه لب شهید شوند و ایشان در هنگام شهادت تشنه نباشند. تقوا سطوح مختلفی دارد و هر کس به نسبت میزان رشدی که در نفس خود دارد سطح متفاوتی از تقوا را خواهد داشت. برای همین تقوا برای انسان‌های عادی همان دوری از گناه محسوب می‌شود اما برای ائمه، پیامبران و بزرگان سطوح بالاتری دارد.